وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشکده سینما تئاتر

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته ادبیات نمایشی

عنوان

بررسی طنز موقعیت در آثار آلن ایکبورن

استاد راهنما

دکتر بهزاد قادری

عنوان بخش عملی

نمایشنامه پرندگان پیر

استاد راهنمای بخش عملی

دکتر بهزاد قادری

استاد مشاور

آقای شهرام زرگر

نگارش و تحقیق

مریم حبیبی

شهریور ۸۸

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیم به

کەمدی

این ژانر مهجور سرزمین من

با تشکرفراوان

از
دکتر **بهزاد قادری سهی**، استاد راهنما پایان نامه، که با پذیرش و راهنمایی این پروژه، همواره مرا مدیون خود کردند .

از

آقایان دکتر شفیعی، دکتر سپهران و استاد حسین فرخی که به عنوان هیئت داوران، مطالعه این مکتوب را قبول زحمت فرمودند .

از
تک تک اعضای خانواده ام که همواره موجب دلگرمی من بوده اند .

از
دوستان مهربانم که از هیچ لطفی در مساعدت من دریغ نکردند .

و تشکر ویژه

از استاد **شهرام زرگر**، که بی کمک دلسوزانه ایشان، سختی های این راه قطعا بر من هموار نمی شد .

چکیده

ژانر نمایشی که در زبان فارسی، معادل (گونه نمایشی) قرار گرفته است، در واقع اصالت نمایشنامه محسوب می شود.
کمدی و تراژدی، مهم ترن گونه های نمایشی اند، که در این میان، کمدی به چند شاخه و زیر شاخه تقسیم می شود.
کمدی، همواره نسبت به تراژدی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اگر چه این گونه نمایشی تاثیر عمیق تر و موثرتری نسبت یه تراژدی در ذهن مخاطب ایجاد می کند اما به دلایل مختلف و متفاوت، از آن دوری جسته اند. این تحقیق به چرایی و چگونگی، مهجور ماندن کمدی، این کودک بی سرپرست، دوست داشتنی می پردازد، و نظریه های کلاسیک و مدرن در باب کمدی را بیان می کند.

در انتها به آلن ایکبورن و معرفی این نمایش نامه نویس، کارگردان و متفکر در قید حیات انگلیسی پرداخته است، و عناصر شوخی های بصری را در آثار او بررسی می کند. آلن ایکبورن ازآن دسته کارگردانانی است که چاشنی طنز را در تمام آثارش افزوده واز آن به بهترین نحو برای رساندن پیام و مقصودش سود می جوید.کمدی و کمدی موقعیت بارزترین مشخصه ی آثار ایکبورن است .

کلید واژه ها
طنز موقعیت، کمدی، آلن ایکبورن

فهرست مطالب

مقدمه
فصل اول
تعاریف طنز..... ۲
طنز کلامی.....۳
طنز موقعیت.....۴
تعریف کمدی ۵
تقسیم بندی کمدی از حیث دوران.....۱۳
فصل دوم
طنز در نمایشنامه نویسی.....۱۹
نظریه های کلاسیک در باب طنز.....۲۶
نظریه های مدرن در باب طنز.....۳۰
فصل سوم
کمدی موقعیت.....۳۷
چرا کمدی موقعیت.....۴۰
تاریخچه کمدی موقعیت.....۴۵
انواع شوخی های بصری.....۴۶
فصل چهارم
آلن ایکبورن.....۴۹
عناصر بصری در نمایشنامه های ایکبورن.....۵۴
خلاصه نمایشنامه ها
میس یسدر دی.....۵۷
اگر من جای تو بودم.....۶۱
استعداد کمدی.....۶۲
کمدی اتاق خواب.....۶۵
تمثال مادر.....۶۷
طنز موقعیت در تمثال مادر.....۶۹
جشن نیکوکاری.....۷۱
طنز موقعیت در جشن نیکوکاری.....۷۳
نتیجه گیری.....۸۰
فهرست منابع و مواخذ.....82
نمایشنامه "پرندگان پیر".....83

مقدمه

در ابتدا و در بیان دلایل انتخاب موضوع، باید به جایگاه طنز و کمدی در کشور مان و عصر حاضر اشاره شود.فقدان حس طنز و سر زندگی و برتری دادن تراژدی به کمدی، نزد اکثر نویسندگان حوزه نمایش در کشورو نیز دغدغه همیشگی نگارنده نسبت به طنز موجب شکل گیری این پژوهش شد.

اما چرا طنز موقعیت؟ طنز موقعیت از آن جهت بر طنز کلامی برتری دارد که قابلیت بیشتری در برقراری ارتباط با مخاطب از خود نشان داده است، تا جای که گاهی فاقد زبان ترجمانی است و به راحتی با هر قشر و طبقه ای از مخاطبان ارتباط برقرار می کند. نمونه آشکار این نوع طنز را در فیلم های صامت کلاسیک می توان دید که با گذشت زمان، طنز بصری آن تازه است و می خنداند.

چرا آلن ایکبورن؟ انگیزه وقتی قوی تر شد که با سایت شخصی او آشنا شده و در دنیای مجازی با نویسنده صاحب نام و خوشبختانه در قید حیاتی برخورد کرده که بالغ بر ۷۰ نمایشنامه کامل نوشته و اجرا شده درانگلستان و امریکا در کارنامه خود دارد و آثارش به بسیاری از زبان های دنیا ترجمه شده و چهره شناخته شده ای است، اما متاسفانه در ایران تنها دو ترجمه از او "تمثال مادر"نمایشنامه کوتاهی به ترجمه داوود دانشور و "جشن نیکوکاری" ترجمه سیروس ابراهیم زاده موجود است.

در زمستان ۸٦ با آمارگیری از ٤٥ دانشجوی رشته نمایش در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده سینما تئاتر و هنر های زیبای تهران مشخص شد که تنها ۲نفر از آنها نام آلن ایکبورن را شنیده!و ٤۳ نفر دیگر اصلا او را نمی شناسند! از آن جهت تصمیم به معرفی آلن ایکبورن گرفته وقدم بعدی ارتباط با او بود که این امر به واسطه دنیای مجازی و لطف "سایمون مارگیت رود" مدیر تارنمای شخصی و برنامه های او محقق شد.
این تحقیق به روش کتابخانه ای صورت گرفت، اما به علت عدم وجود مقاله و کتاب جداگانه ای که منحصرا من باب کمدی موقعیت باشد ،به ناچار مقاله های معتبر و قابل استناد اینترنتی مورد استفاده

قرار گرفت که اکثر این مقالات توسط سایمون مارگیت رود و از طریق پست الکترونیکی معرفی شده است.

فصل اول:

❊تعاریف طنز

❊طنز کلامی

❊طنز موقعیت

تا کنون هیچ جامعه ای کشف نشده که به نوعی طنز نداشته باشد، چه طنزی که در قالب شادی وسرور ناخود آگاه وجسمانی نمود یابد و چه طنزی که به شکل لبخندی مختصرو کوتاه بیان شود. بنابراین خنده خط تمایزمهم انسان از حیوان است؛ طنز نتیجه فرهنگ است. ارسطو معتقد است "جز انسان هیچ حیوانی نمی خندد" (به نقل از کریچلی ۲۵).

در واقع انسان حیوانی است ضاحک اما این خنده نیست که تفاوت انسان بودن را آشکار می کند، بلکه معنای نهفته در پس خنده است که مرز انسان بودن و حیوان بودن را مشخص می کند. خنده حاصل تفکر و فاصله انسان و طبیعت است . در واقع طنز، و به تبع آن خنده، زمانی به وجود آمد که، به نوعی، تفکر زمینی و نگاه انسانی به جهان جایگزین رابطه ی جادوئی بشر به محیط پیرامونش شد. بشر در آغاز به سبب عدم تسلط و آگاهی بر پدیده ها ودگرگونی ها، حتی علل وانگیزه های تحولات طبیعی را به نیروهای ماوراء طبیعه وابسته می دانست [یکی از واکنشهای که بشر معاصر نسبت به این نگرش ، طنز است] ولی به محض آگاهی، تفکر و اشراف به طبیعت و شکل گیری تمدن و فرهنگ طنز بشری رفته رفته جایگاه خودش را پیدا کرد.

کریچلی می گوید:

تا کنون هیچ فرهنگی بدون خنده وجود نداشته، هر چند طنز به لحاظ نوع و شدت و حدت بسیار بسیار گسترده است (همان ۸۳).

هانری برگسون، نظریه پرداز شهیر قرن بیستم در رساله معروف خود، "خنده"، معتقد است که خنده تنها وتنها در جامعه ای سرا پا شعور شکل می گیرد پژواک پیدا می کند، زیرا خنده نیاز به پژواک دارد و انسان در تنهایی طعم آن را نخواهد چشید وانسان فاقد شعور و تفکر با خنده و طنز بیگانه است برگسون به ماشین خنده اشاره می کند(برگسون ۲۱).

تعاریف طنز:

فرهنگ دهخدا طنز را "فسون کردن، فسون داشتن، افسون داشتن، افسوس کردن، سخریه، آنچه دیده وشنیده از احوال نو خواستگان و حرکات ایشان به طنز" تعریف می کند.
جاناتان سویفت[1](۱۶۶۷_۱۷۴۵م) یکی از بهترین تعاریف طنز را به دست می دهد . او طنز را آینه ای می داند که بینندگان آن عموماً چهره کسی جز خودشان را در آن کشف می کنند وهمین علت عمده استقبالی است که نسبت به طنز در دنیا وجود دارد وباز هم به همین خاطر است که کمترین کسی از آن می رنجد (داد ۳۴).

ساموئل جانسن [2](۱۷۰۹_۱۷۸۴م)، ادیب انگلیسی، در لغت‌نامه خود طنز را شعری تعریف می‌کند که در آن فساد و حماقت مورد انتقاد قرار می گیرد و جان درایدن (۱۷۰۰-۱۶۳۱م) منتقد و شاعر انگلیسی هدف از طنز را اصلاح فساد می داند (میرصادقی ۲۱۵).

سیمون کریچلی[3] در کتاب *درباب طنز* معتقد است که دو طنز وجود دارد: طنز حقیقی و طنز غیر حقیقی. در واقع طنز حقیقی طنزی است که به شخص و یا جامعه خاص اشاره نمی کند وهدف صرفا خنداندن و مفتضح کردن بخشی از جامعه نیست ، بلکه به مخاطب امکان تفکر می دهد و بلعکس، طنز غیر حقیقی هدفش صرفا سرگرمی وبه سخره کشیدن جوامع و اقوام دیگر است.
بریتانیایی ها به ایر لندی ها می خندند، کانادایی ها به نیوزلندی ها ، آمریکای ها به لهستانی ها، سوئدی ها به فنلاندی ها...این گونه طنز خندیدن به قدرت نیست بلکه خندیدنی است بسیار قدرتمندانه به ضعفا (همان ۲۲).
او همچنین وظیفه انتقادی طنز را صرفا بغض و بد خواهی یا تمسخر نمی داند، بلکه هدف نهایی را آشکار کردن زشتی و فساد عمومی و نه شخصی می داند:

[1] Johnatan swift
[2] Samuel Johnson
[3] Simon Critchely

بنا براین می توان گفت که طنز حقیقی علاوه بر عملکرد
انتقادی، کارکردی درمانی نیزدارد. مثلا بازگونه ها و
جابجایی های مضحک جغرافیایی در سفرهای گالیور،
اثر سویفیت، نقد ، حماقت ها و شرارت های جهان مدرن
اروپایند، اما هدف و نیت این راه درمانی است.(همان ٢٦)

او همچنین معتقد است که این نوع طنز شکلی از دانش ممنوعه فرهنگی است و در واقع می توان گفت که کارکردی مشابه مکانیسم دفاعی زبان شناختی دارد.

در طنز کلامی نویسنده با استفاده از عبارات خنده دار یا به کاربردن عبارات در جایی که متناسب با موضوع نیستند، طنز به وجود می آورد. گاهی نیز با باز نویسی یک داستان قدیمی یا تقلید از یک سبک ادبی، طنز کلامی می آفریند. گاهی در طنز کلامی طنز پرداز به شکل غیر مستقیم منظورش را به مخاطب می رساند و در واقع خودش را به کوچه علی چپ می زند. در این شیوه نویسنده با بی طرفی درباره موضوع حرف می زند.

گاهی نیز در طنز کلامی نویسنده از وارونگی استفاده می کند. برای مثال، طنزپرداز از کسی تعریف میکند در حالی که منظورش انتقاد و بدگویی از اوست. گاهی نیز با طولانی تر کردن کلام و استفاده پشت سر هم از جملات بی ربط و با ربط نوعی طنز کلامی شکل می گیرد. به طور کلی طنز کلامی در میان مردم بسیار رایج است و طنزهای رادیویی و بسیاری از طنزهای مکتوب نشریات نیز از این دسته اند.

طنز موقعیت:

تضاد بین دو پدیده یا بی تناسبی اتفاقی با آنچه معمول و مورد انتظاراست ، می تواند موقعیتی طنز آلود بیافریند. منظور از طنز موقعیت نیز شرایطی از این دست یا شرح حوادث، موقعیت هایی است که مخاطب را به خنده وا می دارد. طنز موقعیت معمولا تأثیر عمیق تری بر جای می گذارد و خلاقانه تر به نظر می رسد.

طنز موقعیت معمولا مجموعه ای است از شوخی های بصری و این مهمترین شاخصه این نوع طنز است و آن رااز طنز کلامی متفاوت و فرا فکن تر می کند.

نمایش موقعیت، که مادر آبستن طنز موقعیت است، از دیدگاه سیما داد در *فرهنگ و اصطلاحات ادبی* چنین تعریف شده است، "نمایشی" که در آن حوادث بیش از شخصیت یا موقعیت اهمیت داشته باشد" (همان ۲۸۵).

تعریف کمدی:

کمدی را " نمایشی که طی قرون، مختصات آن دستخوش تغییر گشته است، اما در کل سبک و حکایتی است با پایان شاد" (نورا حمر ٤٠) تعریف کرده است. از سوی دیگر، کمدی را گونه ای نمایش خاص دانسته اند با "انواع و اقسام شکل های اجرایی متنوع ... از کمدی تلویزیونی گرفته تا دیگر نمونه ها"(داد ۳۷۵).

کمدی تقلیدی است واخلاق زشت، نه در اینکه تقلید بدترین صفات انسان باشد، بلکه فقط تقلید اطوار شرم آوری است که موجب ریشخندو استهزأ می شود، نیز امری است که درآ ن عیب زشتی هست، اما از آن عیب و زشتی گزندی نمی رسد(ارسطو ۱۲۰).

دو معیار اصلی کمدی، یعنی پایانی خوش، وخنده از یک سنخ نیستند؛ پایان خوش، محتاج خط داستانی و روایی است، ولی خندیدن، لزومأ از روایت و داستان ناشی نمی شود (نیل و کروتینیک ۲۹).

سر فلیب سیدنی در تعریف کمدی می نویسد :
کمدی تقلیدی است از لغزش های عادی زندگی که نویسنده آن را به مضحک ترین و تحقیر آمیز ترین شیوه ممکن ارائه می دهد"(داد ۳۸۹).

او همچنین می افزاید:
طنز الزاما برای خنداندن مخاطب نیست؛ طنز پرداز و طنز نویس تنها از آن به عنوان سلاحی برای نشانه رفتن به سوی هدف استفاده می کند. طنز صرفا برای سرگرمی نیست، و غالبا برای بیان منظوری است که در شرایط جدی امکان صحبت از آن نیست و یا حرف زدن از آن تاثیر چندانی ندارد. طنز، بر خلاف کمدی باعث قهقهه ولذت نمی شود. طنزبا لبخندی همراه است و تفکر برمی انگیزد.

موضوع هایی که مورد انتقاد طنز پردازان قرار می گیرد اشخاص، تیپ ها، طبقه بندی مختلف جامعه و گاه کل جامعه بشری است. در این مورد اخیر است که طنز بیشتر جنبه فلسفی به خود می گیرد. همین جنبه انتقاد آمیز طنز است که آن را از کمدی مشخص می کند. زیرا در طنز، هدف از تمسخر صرفا خنداندن نیست، در حالیکه در کمدی اغلب، هدف اصلی خنده و سرگرمی و ایجاد نشاط و شادی است. (میر صادقی ۲۱۰)

طنز را زاده غریزه اعتراض دانسته اند ، منتها اعتراضی که تعالی یافته وتذهیب شده وشکلی هنری به خود گرفته است. از این رو اغلب آثار طنزآمیز در وضعیت خفقان وفشار های اجتماعی شکل می گیرد و نشان دهنده اعتراض وعدم اعتراض تابعیت نویسندگان آنها از اوضاع

حاکم بر جامعه است و چنین است که بررسی آثار طنز آمیز هر دوره ای می تواند یکی از راههای آگاهی از وضعیت اجتماعی آن زمان باشد (همان ۲۱٦).
اما بسیاری دیگر از مولفان و نظریه پردازان هدف کمدی را مانند هدف طنز خارج از حیطه لودگی دانسته و برای آن هدفی والا تر قائل شدند، کمدی بیشتر به تفکر و اندیشه توجه دارد تا لودگی و مسخره گی، کمدی در نهاد و حالت بیشتر رئالیست است (نوراحمر ٤٠).

طبق نظر کمبل در کمدی به چهره ها این امکان را می دهیم که"دزدکی" به رخنه ی سری که نیرو های پایان ناپذیر جهان از آنجا به درون پدیده های فرهنگی می ریزند (قادری ۲٥٤).

کمدی با خنده پیوند مستقیم دارد، خنده نیز انفجار نیرو در برابر تضادهای نهفته در رفتار آدمی در گیرو دار تضادهای زندگی است. به همین جهت در دوره هایی که دچار دگرگونی یا "آشوبهای"اجتماعی شگرفی است تضادهای چشمگیری نیز به چشم می خورد . آشوبهای که کمدی به نحو بهتری از عهد آن بر می آید (همان ۲۷۹).

"کمدی نویس قلم به دست می گیرد تا آنچه به رغم او زندگی را تلخ می کند و جامعه را تباه کرده است، بنمایاند در نمایش کمدی، خنده از استهزاء و تمسخر وچنین اموری ناشی می شود. خنده های هشدار آمیز گاهی هدف کمدی را با نحوی بیانی آن اشتباه می کنند " (ناظرزاده کرمانی ۱٥).

کمدی حتی در مقایسه با تراژدی، از اهمیت بیشتری بر خوردار است در واقع کمدی سهم بیشتری از تفکر وتعقل برای مخاطب خود قائل است. در حالی که تراژدی بیشتر بر انگیزش، احساسات وعواطف تماشاگران تاکید دارد. حتی میتوان گفت که تراژدی، تماشاگر را تطهیر و تذهیب نفس خود نقش چندانی ندارد. در این خصوص تنها از نیروی احساسات و عواطف او بهره گرفته شود . (اخوت ٥۳)

فابیلن به نقل از *تست سز*[4] در مورد برتری کمدی نسبت به تراژدی می نویسد:
هنرمند کمدی پرداز در آثار خود، بد کاران و غارتگران و آدم های مزاحم را به سخره می گیرد تا بقیه در سلامت آرامش به سر برند . به این ترتیب ، در تراژدی زندگی فرو می ریزد و در کمدی استحکام می یابد (فابیلمن ۲۹).

هانری برگسون[5] در کتاب *خنده* هدف کلی کمدی را چنین تو صیف می کند :
"هدف کلی کمدی کاملاً متفاوت است .در کمدی عمومیت در خود اثر است کمدی شخصیت های را نشان می دهد که ما خود آنها را دیده ایم و پس از آن نیز خواهیم دید.کمدی را یادآور همانندی ها است. هدفش آن است که آدمهایی را که به نوعی هستند ، به ما نشان دهد حق در صورت نیاز نمونه های نوعی جدید می آفریند واز این حیث با سایر هنرها فرق دارد (برگسون ۱۱۰)

[4] John Txetxes
[5] Henri Bergson

چرا کمدی؟

چرا نویسنده برای بیان هدف چرا کمدی ؟ سوالی که در اینجا مطرح می شود این است، برای رسیدن به این پاسخ باید به گذشته های دور ومقصد خود از این ژانر استفاده می کند؟ گذشته های که نویسنده به دلایل اجتماعی و سیاسی قادر به صراحت گویی نبود وباید برگردیم. برای توضیح این موضوع سخن خویش را با لودگی و مسخره بازی بیان می کرد تا در امان باشد. باید نقبی بزنیم به تاریخچه طنز و کمدی و ریشه های آغازین این هنر مستقل .

به گفته ی ارسطو، نمایش کمدی از مراسم مربوط به پرستش آلت رجولیت (فالیسم) بر خاست. در این مراسم، تندیس بزرگی از آلت رجولیت را به عنوان نشانه ای مقدس از بارآوری طبیعت حمل می کردند و برای خدایان باروری وزایش، مخصوصاً دیونوسوس، سرودهای گروهی می خواندند . این مراسم را کوموس می گفتند. هدف نهای کوموس(که بعداً معنی عیاشی

به خود گرفت) این بود که با تجسم روابط جنسی خاک را بر سر غیرت آورند و به باروری بر انگیزند در طی این مراسم قیود اجتماعی به طور موقت کنار گذاشته می شود (دورانت ٦).

کمدی نیز چون خطابه از سیسیل آغاز شد، در حدود سال ٤٨٤، مردی به نام اپیخارموس که فلیسوف، طبیب و شاعر بود ...به نشر عقاید فیثاغورث و هراکلیتوس پرداخت و مدافع فلسفه خرد گرایی شد... این هنر نو از تاثیر دموکراسی و آزادی، رشد و تکامل یافت و در آتن وسیله اصلی هجو اخلاقی و سیاسی گردید. آزادی بیانی که در کمدی وجود داشت سنتی بود که مراسم فالیسیم جشن های دیونوسوسی منشا گرفته بود ... کمدی از لحاظ انتقاد سیاسی، در یونان قدیم همان مقامی را داشت که امروز مطبوعات آزاد در دموکراسی های جدیددارند(همان ٦٨).

با توجه به چندین دلیل از جمله تعریف ارسطو از کمدی و تراژدی و جایگاه تراژدی و کمدی در جامعه یونان باستان و دلیل شکل گیری کمدی و آزادی و بی قیدی نهفته در کمدی، می توان با قاطعیت کمدی را محصول جمعیت و عوام و تراژدی را محصول فردیت و اشراف خواند.

باختین[٦] نظریه پرداز شهیر روسی ریشه های کمدی را در کارناوال جستجو کرده است و کمدی را عریان تر از قبل در برابر دیدگان مخاطب قرار داده است.

"مهمترین نقش باختین در تحلیل های بعد از خودش درباره کمدی، نظریه کارناوال اوست. باختین عقیده دارد که کارناوال محمل معتبری بربی صدای پرولتاریاست که به سرکوب های خشک مقدسانه ی طبقات حاکم پاسخی دهند(استات ٥٧).

"کارناوال در تقویم سده های میانه، روز تعطیل ویژه ای بود که اجازه ی تعلیق موقت قوانین اجتماعی، رسوم و حرمت ها ی رفتاری را می داد (همان ٥٨).

[6] Mikhail bakhtin

"در اثر باختین اما این مجادله چیزی فراتر از تجسم ستیز ابدی جسم و روح است و به بیان تقابل با نظم حاکم و رژیم های متناوب قانون گذاری بدل می شوند (همان ۵۹).

در حقیقت کارناوال و به عقیده باختین "جشن حقیقی زمانه " باعث می شد، مردم، رها و آزاد، برای بیان نارضایتی خود به خیابان ها و معابر بیایند و حاکمیت را به نقد بکشند، و این مهمم ترین دلیل استفاده از کمدی، توسط کمدی نویس است تا بدون رنجش و یا ترسی به بیان خواسته خود بپردازدواین نوع ابراز وجود در رفتار تلخکان درباری اروپایی و آسیایی دیده شده است. در واقع تلخک تنها فرد مصون از خشم پادشاه بود و می توانست راحت و بی پرده سخن بگوید و مورد عتاب قرار نگیرد.

باختین با ارائه نمونه های فراوان مدعی می شود که تقلیدهای مسخره آمیز قرون وسطی نیز به معانی ضمنی و تو پوگرافیک برتر و پست اشاره دارند.
تقلید های مسخره آمیز ادبی دوران مدرن کاملا این دو سویگی باز آفریینده را از دست داده اند و به عبارتی دیگر موضوع آنها نسبت به ابژه ی تمسخر شان، بیشتر سلبی است تا ایجابی، البته در ادبیات رنسانس نیز که فرو کاستن به معنای مورد نظر در تقلید های تمسخر آمیز و گونه های خنده دار دیگر مشاهده می شود.اصل جسمانی مادی تا حدودی تعدیل یافته تر و محدودتر از پیش مطرح جهانی و جشنواره ای آن کم رنگ شده است (باختین ٢٤).

با این همه "در پی مردم شناسی ادبی *کورن فورد* و خوانش آن به واسطه مفهوم کارناوال باختین، کمدی به منزله یک وزنه تعادل ادبی در برابر رژیم های سختگیر و بیانی از یک نیروی زندگی جمعی که نظم اجتماعی را وارونه کرد و آزاد سازی موقتی از فشار حاکمیت را ارائه می دهد (استات ۵۷).

به نظر اندیشمندانی چون باختین، یاکوبسون و پراپ ممنوعیت خنده و گونه های خنده دار در دوره ی پیش از رنسانس مشابه طرد"خرده فرهنگ ها " در سال های پیش از جنگ جهانی دوم است (باختین ٦٨).

به باختین و نظریات او در باب کمدی در فصل بعد بیشتر پرداخته خواهد شد.

ریچی معتقد است طنز کلامی به طنزی بر می گردد که به صورت شفاهی(کلامی) بیان می شود و بر ویژگی های مربوط به زبان (مثلاً هم آوایی) تکیه کند، از این رو مناسب ترجمه مستقیم به زبان دیگر نیست (ریچی ٢٢٤).

تقسیم بندی

کمدی از حیث دوران:

❊کمدی کهن(Comedy Old)

❊کمدی میانه(Mid comedy)

❊کمدی نو(comedy New)

کمدی کهن(Comedy old:)